

نیمایان کارتون مثل تقاوت در سبک درست

● سید مهدی شجاعی

حمید عجمی بنیانگذار یک سبک جدید در خوشنویسی است. این حقیقتی است انکارناپذیر. اما آنچه باور این حقیقت شیرین را دشوار می‌کند سه نکته است:

اول اینکه: سالیان سال است که در بستر خطاطی و خوشنویسی اتفاق تازه‌ای نیفتاده است. اساتید بزرگی آمده‌اند و تجربیات پیشینیان را به اعلا مرتبه زیبایی و ظرافت و کمال رسانده‌اند و رفته‌اند - رحمهم الله - یا نرفته‌اند - حفظهم الله -

شاید بتوان گفت که اغلب این اساتید بزرگ و پیشکسوتان بلندمرتبه، سخن تازه‌ای در امر خوشنویسی نگفته‌اند بلکه سخن پیشینیان خود را خوش ترارش‌تر، خوش ترکیب‌تر و نغزتر و شیرین‌تر بیان کرده‌اند. درست مثل شعرای بزرگ و کم نظیری که سبک عراقی را در شعر به منتها درجه کمال رساندند.

و این سکوت سالیان - اگرچه سرشار از لطایف

فراوان بوده - وجود، بیان و اظهار سخن تازه را در این زمینه به ورطه محال کشانده است.

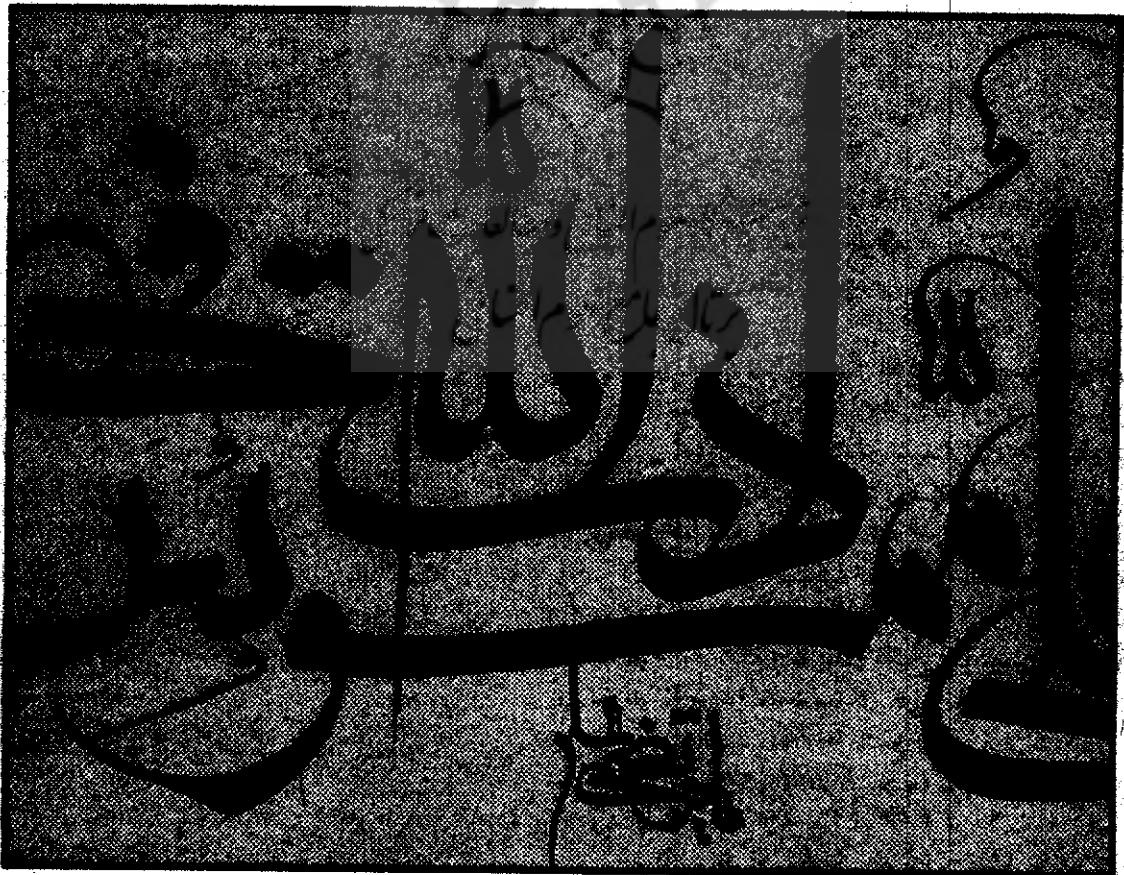
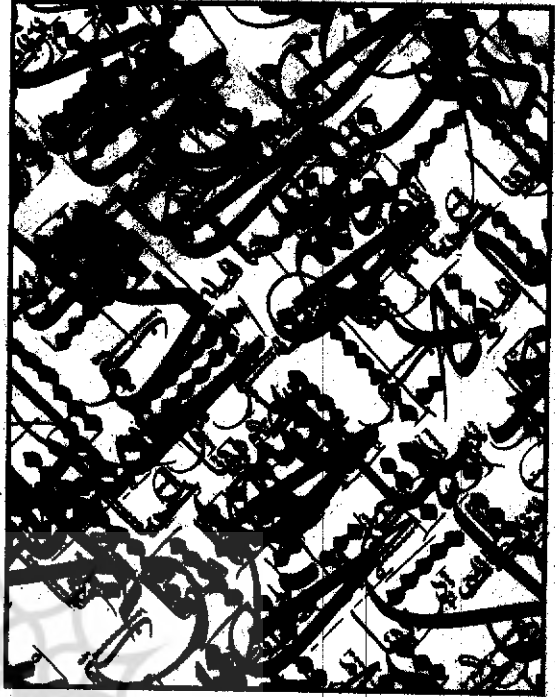
پس باور این ماجرا که واضح خطی جدید، سبکی تازه در خوشنویسی آفریده دشوار می‌نماید.

دوم اینکه: مبدعان و مبتکران سبک تازه و سخن جدید در هر زمینه‌ای عموماً نخلهای کهنسال آن وادی‌اند که لااقل نیم قرن خون دل و دود چراغ خورده‌اند و موهای سر و صورت را در فراز و فرود زمان به سپیدی نشانده‌اند نه درخت جوانی که حداکثر سی و هفت بهار را بیشتر تجربه کرده است.

پس جوانی حمید عجمی نیز مانع دیگری است برای پذیرش این حقیقت که دستهایی جوان بتوانند معجزه‌ای پیرانه و استاد منشانه کنند.

سوم اینکه: در این مرز و بوم رسم شهیت که به زندگان عموماً و به جوانان خصوصاً در پی انجام کارهای سترگ، دست مرزاد بگویند.

هنرمند اگر حافظ و سعدی و فردوسی هم باشد،





عمده‌ترین خصوصیت خط معلای عجمی این است که در عین متکی بودن به گذشته و گذشتگان، شیوه‌های نو و تازه ارائه می‌کند.

خشت تازه‌ای که عجمی پدید آورده، معلق میان زمین و آسمان نیست بلکه اتکاء و استواری‌اش بر خشت‌هایی است که گذشتگان بر هم نهاده‌اند و این است آنچه که سبک تازه را معنا می‌کند و به آن هویت می‌بخشد.

خصوصیت دیگر خط معلای این است که بر اساس یک محتوای غنی و آسمانی پدید آمده است نه از سر خستگی از فرمی و پناه بردن به تنوعی و تغییر دادن قالبی.

و این یعنی طبیعی‌ترین شکل پدید آمدن یک سبک. و این یعنی تعیین و انتخاب فرم و قالب توسط محذری.

معنای روشنتر این کلام این است که آنچه عجمی بنا داشته از مقامات مولای علی علیه السلام نقل کند و آن احادیثی را که او بنا داشته بر صفحه کاغذ بنشانند، به یقین در قالبها و لباسهای پیشین تنگی می‌کرده و روش آن قوالب بار این محتوای سنگین را بر نمی‌تافته، پس باید ظریفی غریب آفریده می‌شد که بتواند آن مضامین غریبتر را در خود جای دهد، درست مثل سبک هندی در شعر.

خطی که نه از قلم که از مؤگان معرفت پدید آمده و نه از دوات که از خون جگر مایه گرفته، خطی که از زمین نجوشیده که از آسمان فرود آمده.

خطی که نه مصنوع ذوق و ذائقه بشری که معطوف عنایات علوی است.

و این کلام خود پاسخ آخرین پرسش این مقال است که چگونه این خط پدید آمده و عجمی چگونه به این توفیق کم نظیر دست یافته و دیگران نیافته‌اند.

اجمال پاسخ و پاسخ مجمل این است که:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

باید بمیرد تا بتوان او را به رسمیت شناخت و مقام و منزلتش را تجلیل کرد.

پس زنده بودن هنرمند در جامعه ما بزرگترین مانع برای به رسمیت شناخته شدن او و اثر یا آثار اوست.

با سوء استفاده‌های ظریف، می‌توان این مصرع حافظ را هم شاهد مثال این نکته سوم آورد که: تو خود حجاب خودی حافظ از میان بربخیز.

چرا چهره عجمی واضح یک سبک جدید در خوشنویسی است؟

کاری که عجمی کرده است چه تفاوتی دارد با بسیاری از کارهایی که دیگران در این مسیر کرده‌اند و می‌کنند و بعضاً دست به نوآوری‌هایی شگفت نیز می‌زنند.

چه مختصات و خصوصیات است که کار عجمی را مزیت یا تفاوت می‌بخشد و آن را به عنوان یک سبک تازه طرح می‌کند؟

نه تنها در سالهای اخیر که بسیار پیش از این هم ما شاهد ابداعها، نوآوریها و حرکت‌های تازه و متفاوت در بستر خوشنویسی بوده‌ایم، چرا آنها نام سبک بر خود نگرفتند و به عنوان یک شیوه متفاوت تلقی نشدند.

شاید عمده‌ترین دلیل این باشد که آنان در اصل و جوهره خط، تغییری پدید نیاوردند بلکه با تلفیق هنرهای دیگری مثل نقاشی و گرافیک، با خوشنویسی یا به عبارت بهتر مدد جستن و کمک گرفتن از هنرهای دیگر برای تزئین، تکمیل و اعتلای خوشنویسی تلاش کردند که حس متفاوتی را به مخاطب القاء کنند و این بسیار متفاوت است.

با ایجاد یک حرکت جوهری در اصل، مثن و بطن هنر.

درست مثل تفاوت کار نیما، با کسی که همان اشعار کهن را با تذهیب و تزئین تازه ارائه می‌دهد.